

حائیه موحدین

روزنامه‌نگار

حرکت فداییان اسلام پس از دوره‌سرکوب مذهبی شدید توسط رضاخان با هدف ایجاد حکومت و اجرای قوانین اسلامی پدید آمد؛ حرکتی که نفوذ کلام و شهامت طلبیه‌جویانی که آن را بنیان نهاده‌بود، در اثرگذاری آن غیرقابل انکار است. تا آنجا که خیلی از انقلابیون تأکید دارند اولین جرقه‌های انگیزش انقلابی به‌وسیله‌شهید نواب در آنها ایجادشده است؛ شهیدی که در ۲۷ دی‌ماه۱۳۳۴ به دلیل اقدام به ترور نافرجام حسین علاء، نخست‌وزیر وقت، به همراه برخی از هم‌زمانش از جمله مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی و محمد واحدی اعدام شد. سیدمجتبی نواب صفوی در دوران حکومت رضاخان (۱۲۰۲) در محله خانی‌آباد تهران به دنیا آمد. پدرش سید جواد میرلوحی، روحانی‌ای بود که به‌دنبال صدور قانون «لباس‌های متحدالشکل» و خلع لباس روحانیت (سال ۱۲۱۴) عبا و عمامه را به اجبار کنار گذاشته‌و وکیل دعاوی دادگستری شده‌بود. چندی بعد به‌دنبال درگیری شدیدی که بین سیدجواد و داور عدلیه رضاخان صورت گرفت، وی سبیلی محکمی به‌صورت‌علی اکبر داور زد و به‌سه سال زندان محکوم شد و اندکی بعد از آن دار فانی را وداع گفت. بعد از آن سیدمجتبی که آن زمان حدود ۱۲ سال داشت، نام خانوادگی مادرش را برای خود برگزید و از این رو به نواب صفوی شهره شد. سیدمجتبی نواب صفوی مدتی در مدرسه صنعتی آلمانی‌ها در رشته مکانیک مشغول به تحصیل شد. در همان مدرسه تظاهراتی بر ضد کشف حجاب به‌راه انداخت (سال ۱۳۱۹) و هم‌زمان در مدرسه مروی تحت تعلیمات دینی قرار گرفت. نواب‌اولین مبارزه رسمی علیه حکومت پهلوی را در حالی که هنوز ۱۸ سال بیشتر نداشت، در ۱۷ آذر ۱۳۲۱، طی سخنرانی علیه دولت قوام‌السلطنه آغاز کرد. بعد از آن، تحصیل را رها کرده و برای کار به‌آبادان رفت. در آبادان نواب برای حمایت از یکی از کارگران کتک‌خورده‌از دست یکی از متخصصان انگلیسی شرکت نفت، آستین‌ها را بالا زد. به دنبال اعتراضات کارگران و سرکوب نظامیان سیدمجتبی به بصره رفت و بعد از آنجا راهی نجف شد و در نجف در مدرسه قوام اقامت گزید؛ اقامتی که سه سال و نیم به طول انجامید و به ارتباط نزدیک میان او و علمای نجف ازجمله علامه امینی منجر شد. برخی نقل کرده‌اند در طول آن علاوهبر تحصیل امور حوزوی، نواب صفوی برای گذراندن امور زندگی به فروش عطر روی آورده بود.

ترور کسروی و اعلام موجودیت

همزمان با ایام حضور نواب در نجف، احمد کسروی، روزنامه‌نگار و مورخ، در ایران اقدامات ضدشیعی و مذهبی خود را با هدف ساختن یک هویت ایرانی سکولار آغاز کرد. در همین راستا کتاب «شیعه‌گری» را به زبان فارسی و عربی منتشر کرد و کتب ادعیه شیعه و از جمله کتب سه‌رودی را تحت عنوان «جشن کتابسوزان»، به آتش کشید و اقدام خود را جنبش «پاک دینی» نام نهاد. اقدامات کسروی که به قرآن سوزی نیز رسیده بود، موج اعتراضات متدینین تهران را نیز برانگیخت. این اقدامات وقتی به گوش علمای نجف رسید، برخی حکم ارتداد وی را صادر کردند. در همین راستا نواب تحت تأثیر علامه امینی و برخی دیگر از علما از جمله آیت‌الله خویی و آیت‌الله سیداسدالله مدنی، رهسپار تهران شد. در تهران نیز شیخ محمد آقا تهرانی، مؤسس هیات قائمیه نیز در تحریک مردم و به‌ویژه نواب صفوی بر ضد کسروی مؤثر بود.

آیت‌الله بروجردی و فداییان

با فوت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی در سال ۱۳۲۵، مرجعیت در اختیار آیت‌الله سیدحسین بروجردی در قم قرار گرفت. همزمان فداییان اسلام نیز فعالیت خود را در قم گسترش داده بودند.

اگرچه در ماجرای ترور احمد کسروی، شیخ‌علی تهرانی در خاطرات خود نقل کرده که آیت‌الله بروجردی، امام خمینی را نزد شاه فرستاد تا فتوای علمای نجف و مهدورالدم بودن کسروی را گوشزد و از این رو برادران امامی را آزاد کنند، با این حال شواهد تاریخی حاکی از آن است که مشی آیت‌الله بروجردی با فداییان اسلام همواره همسو نبوده است. این تفاوت نگاه را می‌توان ناشی از اختلاف در نوع نگرش به مسائل سیاسی دانست. فداییان اسلام که تحت تأثیر آیت‌الله قمی و خوانساری بودند، بنیاد تشکیلاتی خود را بر مداخله در سیاست بنیان نهاده بودند و در مقابل عده‌ای معتقدند آیت‌الله بروجردی با توجه به تجربه مشروطه تمایلی به حضور روحانیون در عرصه سیاست نداشت. به‌هر ترتیب آیت‌الله بروجردی به‌طور کلی قصد ورود به سیاست را نداشت، از این رو حتی در موضوعات مهمی چون ملی شدن صنعت نفت، با سکوت آیت‌الله بروجردی مواجه هستیم؛ سکوتی که ذهن برخی از اعضای فداییان را نسبت به آیت‌الله بروجردی مشوب و منجر به واکنش در تشریه «نبرد ملت»، ارگان رسمی فداییان اسلام شد. اگرچه در برخی مواقع با نشانه همراهی آیت‌الله بروجردی هم مواجه هستیم. به‌عنوان مثال با رسیدن هژیر به کسوت نخست‌وزیری (خرداد ۱۳۲۷)، همراهی آیت‌الله بروجردی با نواب و کاشانی توانست نیروهای مذهبی را در جامعه فعال کند.

در این میان درخصوص پررنگ شدن اختلاف میان آیت‌الله بروجردی و فداییان اسلام، نقش اطرافیان آیت‌الله بروجردی نیز قابل توجه است، تا آنجا که شهید محلاتی اشاره داشت اطرافیان ایشان به آیت‌الله بروجردی این گونه القا کرده بودند که فداییان می‌خواهند دروس حوزه را تعطیل کنند. برخی دیگر ازجمله محمد واعظ‌زاده خراسانی تصریح دارند آن زمان دستگاه اداری حوزه علمیه قم که اصحاب آیت‌الله بروجردی بودند، با هر حرکت انقلابی و اصلاحی مخالفت می‌کردند.

نواب در تهران بارها درخصوص میانی شیعه در اسلام به مباحثه پرداخت؛ مباحثاتی که در مجله «پرچم» صورت گرفت و طی آن نواب از ارتداد کسروی اطمینان کسب کرد. درنهایت سیدمجتبی حکم ارتداد کسروی را که توسط علمای نجف گذاشته شده بود، با آیت‌الله طالقانی مطرح کرد. مطابق اسناد منتشرشده، آیت‌الله طالقانی ضمن تشویق او، مبلغی حدود ۴۰۰ تومان نیز جهت خرید اسلحه در اختیار او گذاشت. سرانجام در هشتم اردیبهشت ۱۳۲۴، نواب صفوی در میدان حشمت‌الدوله (آذربایجان فعلی) به سمت کسروی شلیک کرد. البته کسروی در آن اقدام جان سالم به در برد و با انتقال وی به بیمارستان، نواب صفوی نیز دستگیر شد. دستگیری نواب، موجی از اعتراضات علما را به همراه داشت تا آنجا که درنهایت با فشار مراجع، نواب از زندان آزاد شد و بلافاصله با انتشار بیانیه شدیدالحنی با عنوان «دین

سیاست



روحانی‌ملی - انقلابی

«فرهیختگان» ۶۳ سال پس از شهادت نواب صفوی بررسی می‌کند: میراث فکری - سیاسی جریان فداییان اسلام چیست؟

دادگستری کرد؛ اقدامی که منجر به کشته شدن کسروی و بازداشت حسین امامی شد. در پی این اقدام نواب صفوی از طریق مبارزان با‌بی دینی به گیلان و سپس رهسپار مشهد و به منزل آیت‌الله شیخ غلامحسین تبریزی رفت؛ سفری که منجر به آشنایی محمدمهدی عبدخدایی (کسی که بعدها اقدام به ترور دکتر فاطمی کرد) فرزند آیت‌الله تبریزی با نواب شد. سیدمجتبی

سپس به همدان و کرمانشاه و بعد از آن راهی نجف شد. تلگراف‌های زیادی ازطرف علما برای آزادی برادران امامی مخابره شدو درنهایت دادگاه تجدیدنظر حکم به برائت آنها صادر کرد. مدتی بعد نواب، سفرهای تبلیغی خود را به ایران آغاز کرد و بعد از بازگشت به تهران با نیره‌سادات احتشام رضوی، دختر یکی از محرکان اصلی قیام مسجد گوهرشاد ازدواج کرد. مراسم ازدواج او در حضور علمای بزرگ قم از جمله آیت‌الله کوه کمری و آیت‌الله فیض برگزار شد.

و انتقام» موجودیت «فداییان اسلام» را اعلام و به مبارزه خود رنگ و بویی تشکیلاتی داد. درخصوص این نامگذاری، سیدمجتبی نواب صفوی نقل کرده: «حضرت سیدالشهداء را در خواب دیدم که بازوبندی بر بازویم بست که روی آن نوشته شده بود «فداییان اسلام» و من از این جهت نام فداییان اسلام را برای این تشکیلات برگزیدم.»

در این ایام همچنان اقدامات ضددینی کسروی ادامه داشت، اگرچه سعی می‌کرد کمتر در مجامع عمومی حاضر شود. از این رو علما و بازاریان بارها خواستار محاکمه وی به جرم توهین به ائمه اطهار و مقدسات شدند. درنهایت فداییان اسلام که تشکیلات خود را منسجم کرده بودند، در ۲۰ اسفند ۲۴، توسط ۱۱ نفر از اعضای خود ازجمله سیدعلی محمد و سیدحسین امامی با اجازه علما، اقدام به ترور احمد کسروی و منشی اش حدادپور در کاخ

امام خمینی(ره) و فداییان اسلام

شاگردان امام خمینی از جمله آیت‌الله گرامی در وصف ایشان می‌گفتند: «روح او (امام خمینی) روح نوابی بود به اضافه مرجعیت.» به بیان‌های مختلف نقل شده که اسام خمینی از آنجا که آیت‌الله بروجردی در آن مقطع سبیل تشیع و مرجعیت بود، عمل خلاف رویه ایشان را به صلاح اسلام نمی‌دانستند. از این رو برای دامن زدن به اختلافات به حمایت غیراشکار از فداییان اسلام روی آوردند. به نقل از آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی نیز امام در یکی از جلسات خصوصی تصریح کرده بودند که «ایشان (فداییان اسلام) بدون هیچ آلت و اسلحه‌ای فقط با سخنرانی با دستگاه درافتاده‌اند و دستگاه را به وحشت انداخته‌اند.»

این حمایت پنهانی در زمان دستگیری نواب صفوی علنی شد. حجت‌الاسلام علی دوانی در کتاب شرح حال آیت‌الله بروجردی نقل کرده که در جریان اعدام مرحوم نواب و یارانش، امام با ابراز تاسف فرمودند: «چه کنم کسانی را در بیت آیت‌الله بروجردی گذاشته‌اند که نمی‌توانم کاری کنم، البته می‌روم و اقدام می‌کنم.» مطابق آنچه که همسر امام نیز نقل کرده بود، امام خمینی برای پیشقدم شدن آیت‌الله بروجردی برای جلوگیری از اعدام نواب و یارانش خدمت ایشان رفتند. زهرامصفوی، دختر امام نیز مطابق آنچه که در روزنامه اطلاعات ۱۷ خرداد ۶۷ نقل شده، در بیان خاطره روز اعدام فداییان گفته است: «در اتاق ایستاده بودم و مادرم داشتند کار می‌کردند که امام وارد شدند. صورت ایشان به‌شدت برافروخته بود و چشم‌ها حالت فوق‌العاده عصبانی و ناراحت ایشان را نشان می‌داد. فقط عباپیشان را گوشه‌ای انداختند و با عصبانیت وارد شدند. گویا مادر از جریان خبر داشتند که پرسیدند: نتوانستید کاری کنید؟ گفتند: نخیر، نشد، نتوانستم. ایشان – آقای بروجردی – می‌گویند من به این کارها کاری ندارم.... بعد امام از اتاق بیرون رفتند، ولی حال‌شان خیلی متقلب بود، چون می‌دانستند نتیجه محاکمه فداییان اسلام یعنی اعدام. این را چون می‌دانستند، خب معلوم بود مساله اعدام یک عده جوان بی‌گناه فعال مبارز طبیعتاً چقدر سخت بود. بعد من از مادرم پرسیدم جریان چیست؟ گفتند: محاکمه فداییان اسلام است و آقا [امام خمینی] پیش آیت‌الله العظمی

نسبت فداییان اسلام با اخوان المسلمین

خیلی‌ها فداییان اسلام را آغازگر برخوردی عقیدتی و انقلابی با جریان‌های دین‌ستیز و سلطه‌پذیر می‌دانند؛ جریانی که سببگ‌بنای مبارزه مسلحانه با رژیم طاغوت را بنا نهاد و در همان ابتدا بنا را بر حذف شاه و تشکیل حکومت اسلامی گذاشت.

در این میان با توجه به نقش تعیین‌کننده فداییان اسلام بر انقلاب اسلامی از یک سو و ارتباط آنها با اخوان المسلمین مصر از سویی دیگر، بررسی نسبت و ارتباطات با اخوان المسلمین اهمیتی دوچندان می‌یابد. به‌ویژه آنکه فداییان، نهضتی اسلامی و شیعی محسوب می‌شود و اخوان المسلمین به‌عنوان یک جنبش بزرگ اسلامی اهل سنت شناخته می‌شود. اخوان المسلمین اگرچه خاستگاهی عربی داشت و در کشور مصر بنانهاده شده بود، اما در کنار ارتباطات به دور از اختلافات فرقه‌ای آن با مسلمانان دیگر کشورهای اسلامی، با فداییان اسلام نیز روابط حسنه‌ای برقرار کرده بود؛ روابطی که ریشه‌اش به دعوت شهید «سید قطب» از نواب صفوی برای حضور در مصر -۱۳۳۲ش/ ۱۹۵۴م- برمی‌گشت. نواب که به دلیل مشکلات مالی با وقته‌ای کوتاه دعوت سید قطب را اجابت کرده بود، راهی مصر شد و به دعوت جمعیت اخوان در دانشگاه الازهر سخنرانی کرد؛ سخنرانی‌ای که می‌توان آن را نقطه آغاز و رونمایی از پیوند فکری فداییان اسلام و اخوان المسلمین تلقی کرد. نواب در سخنان حماسی خود از وحدت اسلامی، اجرای احکام الهی و نیز ملی شدن کانال مصر سخن گفت و شور و هیجانی را در میان جمعیت ایجاد کرد. از همان آرمان‌هایی که سال‌ها بود اخوان پرچمش را به دست گرفته بودند. در همین رابطه نواب در مصاحبه با مجله «المسلمون» ارگان نشراتی

@farhikhtegandaily

www.fdn.ir

فرهیختگان

برکتی - سیم بران پیشاپیش جبهه ست سزانه، سهراب

اخوان المسلمین گفت: «بر ماست که با اسلام متحد شویم و به تلاش بپردازیم و جز جهاد در راه خدا و تلاش در جهت عزت اسلام همه چیز را فراموش کنیم... آیا زمان آن فرانسیده که مسلمانان با رسیدن به رشد و بلوغ، اختلافات شیعه و سنی را رها کرده و همه با هم به کتاب پروردگار خود بنگرند، «همین نوع نگاه نیز باعث شد بزارد لوتیس، مورخ برجسته بریتانیایی در این باره بگوید: «فداییان اسلام با اینکه شیعه‌اند، ولی خواستار وحدت اسلامی هستند و در واقع اندیشه آنها به طرز تفکر اخوانی‌ها در مصر نزدیک است، چراکه آنها معتقدند اسلام یک نظام کامل برای زندگی است و از طرفی، فرقه‌گرایی در بین مسلمانان و جدایی شیعه و سنی، مفهومی ندارد.» در همین زمینه نواب حتی به شیعیان عراق و سوریه سفارش می‌کرد به عضویت حزب اخوان المسلمین مستقر در آن دو کشور درآیند. کار همراهی این دو مجموعه تا جایی بالا گرفت که در جریان دستگیری‌های گسترده اعضای اخوان المسلمین توسط نیروهای جمال عبدالناصر، نواب در چند نوبت شخصا خطاب به او نامه نوشت و آزادی آنها را خواستار شد؛ مطالبه‌ای که بعضا اجابت هم شد و آزادی تعداد زیادی از اخوانی‌ها را به دنبال داشت.

در مقابل نیز زمانی که خبر دستگیری نواب در ایران منتشر شد، اخوان المسلمین گروهی از حقوق‌دانان را برای انجام وکالت اواز راه عراق به سوی ایران فرستادند؛ اقدامی که البته به دلیل صادر نشدن ویزا برای آنها در عراق و نیز اجرای حکم اعدام او پیش از مهلت فرجام‌خواهی ۱۰ روزه بدون نتیجه ماند. همسنگران نواب در مصر بعد از شهادت رهبر فداییان اسلام واکتشی ماندگار نشان دادند و از او به‌عنوان «شهید اخوان» یاد کردند.